

## اثربخشی اعتبارات بر توسعه کسب و کارهای دامپروری در بخش جعفرآباد استان قم

غلامحسین عبداللهزاده\*؛ دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی، گرگان، ایران.  
احمد جمشیدی کوهساری؛ دانشجوی دکتری اقتصاد محیط زیست و منابع طبیعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران، ایران.  
سید حسن حسینی المدنی؛ دانشجوی دکتری اقتصاد، توسعه و سیاست کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران، ایران.  
محمد شریف شریفزاده؛ دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی، گرگان، ایران.

پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۵/۵

دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱/۱۵

### چکیده

هدف اصلی این تحقیق بررسی اثربخشی اعتبارات بر توسعه کسب و کارهای دامپروری در نواحی روستایی بخش جعفرآباد استان قم بوده است. به این منظور از روش تحقیق توصیفی مبتنی بر پیمایش استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق شامل ۸۳ نفر از دامداران (پرورش دهندگان گوساله پروری) شاغل در شهرک دام جعفریه واقع در بخش جعفرآباد استان قم است که از سال ۱۳۸۹ از بانک کشاورزی گازران قم جهت توسعه دامداری وام دریافت کرده‌اند. اطلاعات لازم به صورت تمام شماری از صاحبان واحدهای دامداری گردآوری شده است. روایی پرسشنامه بر اساس نظرات گروهی از متخصصان شامل اعضای هیأت علمی دانشگاه و کارشناسان بانک کشاورزی ارزیابی و پس اصلاحاتی مورد تأیید قرار گرفته است. پایایی ابزار تحقیق با انجام یک طرح مطالعه راهنما بر روی ۲۰ نمونه خارج از جامعه آماری (دامداران خارج از شهرک دام جعفریه) و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۳ برای گویه‌های اثربخشی تأیید شده است. نتایج نشان داد که مؤلفه‌های اثربخشی اعتبارات پرداختی توسعه کسب و کارهای دامپروری را می‌توان در پنج مؤلفه با عنوان «افزایش درآمد و تولید»، «مدیریت بهتر ضایعات و بهداشت دام»، «ارتقاء کیفیت زندگی فردی و روستایی»، «بهبود انگیزش و رضایت شغلی دامداران» و «توسعه فیزیکی دامداری» دسته‌بندی کرد. همچنین اینکه در مؤلفه اول «افزایش میزان فروش و درآمد حاصل از دامداری»، در مؤلفه دوم «مدیریت بهتر بهداشت دام و پیشگیری بیماری‌های دام»، در مؤلفه سوم «از بین رفتن ضایعات، زباله و آشغال در محیط روستا»، در مؤلفه چهارم «بهبود رضایت از وضعیت شغل و حرفه» و در مؤلفه پنجم «افزایش ارزش اموال و دارائی‌های دامداران» دارای اهمیت بیشتری بوده است. نتایج بررسی میزان اثربخشی اعتبارات نشان داد که در دو مؤلفه اول یعنی «افزایش درآمد و تولید» و «مدیریت بهتر ضایعات و بهداشت دام» اثربخشی مطلوب نبوده است. اما در سه مؤلفه بعدی یعنی «ارتقاء کیفیت زندگی فردی و روستایی»، «بهبود انگیزش و رضایت شغلی دامداران» و «توسعه فیزیکی دامداری» و همچنین کلیت شاخص اثربخشی وضعیت مطلوب بوده است.

واژگان کلیدی: کسب و کارهای دامپروری، اثربخشی اعتبارات، بانک کشاورزی، صندوق توسعه ملی.

\* Abdollahzade1@gmail.com

## (۱) مقدمه

کمبود سرمایه در نواحی روستایی که ناشی از پایین بودن سطح درآمد و در نتیجه ناچیز بودن میزان پس‌انداز خانوارها روستایی است، یکی از مشکلات اساسی توسعه روستایی و کشاورزی به شمار می‌رود (اشراقی سامانی، ۱۳۹۴: ۷۸). این وضعیت علاوه بر اینکه امکان افزایش ظرفیت بخش‌های تولیدی و به کارگیری فن‌آوری‌های نوین را در فرآیند تولید این مناطق با محدودیت مواجه ساخته، موجب بروز مشکلات اجتماعی چون مهاجرت روستاییان به شهرها، بیکاری پنهان و آشکار و کاهش سطح زندگی خانوارها شده است. از این رو انتظار می‌رود که تسهیلات اعتباری، وسیله مناسبی برای روند انتقال و تسریع در امر توسعه نواحی روستایی باشد. به طور حتم، سرمایه همواره در زندگی بشر نقش مهمی داشته است به گونه‌ای که بدون سرمایه رسیدن به هدف‌های آینده ناممکن به نظر می‌رسد (چیزری و زارع، ۱۳۷۹: ۷۰). به ویژه با توجه به نقشی که سرمایه در ترکیب عوامل تولید دارد، می‌تواند باعث افزایش کارایی فرآیند تولید شده و به عنوان عامل اساسی در مدرنیزه کردن و تطابق با فن‌آوری نوین مورد استفاده قرار گیرد (پورافضل و همکاران، ۱۳۹۱: ۳)؛ به علاوه، همواره تشکیل سرمایه موجب تولید و اشتغال و بسترسازی برای تولید محصولات راهبردی شده است.

صنعت دامداری یکی از صنایع راهبردی و مهم است که به جهت تأمین بخش عمده‌ای از نیاز مواد پروتئینی انسان نقش مهمی در اشتغال و تولید و به تبع آن درآمد و رفاه خانوارهای روستایی ایفا می‌کند (مجردی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۴). همچنین توسعه صنعت دامداری یکی از راهکارهای حل مشکل کمبود مواد غذایی در سطح جهان است که مورد توجه دولت‌های بسیاری قرار گرفته است (سفیدکارلنگرودی و احتشامی، ۱۳۹۰: ۲). در سطح جهانی نیز صنعت دامپروری سهم مهمی از تولید ناخالص ملی و به تبع آن نقش مهمی در فرایند توسعه روستایی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه ایفا می‌کند (Steinfeld and Mack, 2015: 1). در ایران، بخش دامپروری سهمی زیادی از اقتصاد کشاورزی را تشکیل می‌دهد و مزیت عمده آن نیز تبدیل محصولات کم‌ارزش به محصولات پرارزش و پروتئینی است. به نحوی که دامپروری با تبدیل علوفه، کاه، کنجاله سویا و سبوس به شیر، گوشت و تخم‌مرغ سهم مهمی از تولیدات مواد غذایی در بخش کشاورزی را به عهده دارد. بنابراین تأمین اعتبارات و سرمایه برای توسعه بخش دامپروری کشور اهمیت زیادی دارد.

تا سال ۱۳۸۹ در سکونتگاه‌های بخش جعفرآباد شهرستان قم در استان قم دامپروری به شیوه سنتی بین ساکنان محلی رواج داشت. این شیوه بهره‌برداری علاوه بر اینکه فاقد بهره‌وری کافی در فرآیند تولید بود، همواره موجب آلودگی محیط مسکونی و ایجاد تعارض بین خانوارها بوده است. به دلایل مذکور در این سال با تصمیم مسئولین وقت استانی نسبت به جمع‌آوری و انتقال دامداری‌های سنتی موجود در سطح شهر به محل مناسب تصمیم‌گیری شده است. بنابراین محل فعلی مجتمع دامداری گازران در فاصله

دو کیلومتری محل سکونت انتخاب و قطعه‌بندی برای استقرار دامداری در آن صورت گرفت. به این ترتیب متقاضیان احداث گاوداری از بین ساکنان بومی که قبلاً در امر دامداری به صورت سنتی فعالیت داشته‌اند، توسط جهاد کشاورزی شناسایی و به بانک جهت اخذ تسهیلات معرفی شده‌اند. بانک کشاورزی جعفریه در راستای سیاست‌های توسعه بخش کشاورزی و از محل اعتبارات صندوق توسعه ملی در جهت توسعه و تکمیل این مجتمع دامداری ۱۰۵/۷ میلیارد ریال تسهیلات پرداخت نموده است. ۴۵ درصد از مبلغ یاد شده، از منابع داخلی بانک و ۵۵ درصد از اعتبارات صندوق توسعه ملی بوده است (گزارش تسهیلات پرداختی بانک کشاورزی، ۱۳۹۲). به این ترتیب با اعطای تسهیلات فوق به متقاضیان، فرآیند نوسازی کسب و کارهای دامپروری در منطقه عملیاتی شده است. با توجه به اینکه اثرات توسعه صنعت دامداری این منطقه به صورت علمی مورد مطالعه قرار نگرفته است، تحقیق حاضر با تمرکز بر نقش بانک کشاورزی و صندوق توسعه ملی، اثربخشی اعطای تسهیلات اعطایی این بانک را بر توسعه کسب و کارهای دامپروری در شهرک جعفریه استان قم را مورد بررسی قرار داده است. با توجه به اینکه هدف از اعطای اعتبارات، انتقال از دامپروری سنتی به نیمه صنعتی و افزایش اشتغال بوده است بنابراین اثربخشی اعتبارات از این منظر بررسی شده است.

## ۲) مبانی نظری

اثربخشی مفهوم پیچیده‌ای است که به طرق گوناگونی تعریف شده است و متناسب با هر زمینه‌های مختلف قابل اندازه‌گیری و ارزیابی است. به طور عام یک سازمان، برنامه یا فعالیت زمانی اثربخش است که نتایج قابل مشاهده فعالیت‌های آن با اهداف برابر بوده یا بیش از آن باشد. بنابراین درجه یا میزان که سازمان، برنامه یا فعالیت مورد نظر به هدف‌های مورد نظر نزدیک شود یا آنها را برآورده کند را اثربخشی گویند (Parhizgari and Ronald, 2004: 221). در خصوص اعتبارات نیز مواردی مانند ایجاد اشتغال، بهبود معیشت خانوارهای دریافت‌کننده اعتبارات به صورت افزایش درآمد، دارایی و مصرف، کاهش آسیب‌پذیری، توانمندسازی زنان به عنوان معیارهای اثربخشی معرفی شده است (علاءالدینی و جلالی موسوی، ۱۳۸۹: ۶۳).

با توجه به اینکه محققین و دانشمندان در خصوص معیارهای سنجش اثربخشی، دیدگاه‌های متفاوتی دارند، می‌توان گفت که بهترین معیار برای سنجش اثربخشی وجود ندارد، اما نقطه مشترک همه دیدگاه‌ها و تعاریف دستیابی به اهداف است (غیاثوندغیائی و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۲). از طرفی شرایط محیطی حاکم بر اجرای برنامه‌های تأمین مالی نیز بر میزان و شیوه سنجش اثربخشی آنها نیز تأثیرگذار است. مهم‌ترین هدف مطالعات ارزیابی اثربخشی، شناسایی آثار اجرای برنامه‌های تأمین مالی در سطوح مختلف به منظور توفیق برنامه‌ها در رسیدن به اهدافشان است (علاءالدینی و جلالی موسوی، ۱۳۸۹: ۶۵). برای مثال

مطالعات ارزیابی اثربخشی به دنبال پاسخگویی به این سؤال هستند که برنامه‌های تأمین مالی چه نتایجی برای وام‌گیرندگان از منظر کاهش فقر، آسیب‌پذیری، توانمندسازی، ایجاد و توسعه فرصت‌های شغلی داشته‌اند. همچنین مطالعات مذکور با شناسایی و توضیح فرآیند تغییرات، امکان اصلاح رویه‌ها و بهبود عملکرد برنامه‌ها را فراهم می‌کنند.

به طور معمول در فرآیند توسعه یکی از اولین عناصری که به نحو مستقیم یا غیرمستقیم به اجتماع محلی تزریق می‌شود، منابع مالی و اعتبارات است (علیرضائزاد و حائری، ۱۳۹۰: ۱۹۳). یکی از شیوه‌های متداول تزریق منابع مالی، ورود این منابع در پوشش وام‌های خوداشتغالی است. ادبیات علمی وسیعی در زمینه تأثیر اعتبارات بر خوداشتغالی وجود دارد که سه موضوع کلیدی را پوشش می‌دهند: (۱) تأثیر اعتبارات بر تصمیم به خوداشتغالی؛ (۲) چگونگی کمک نهادهای مالی به خانوارها در غلبه بر محدودیت‌های مالی و (۳) نقش و وابستگی متقابل بخش‌های رسمی و غیررسمی در تأمین مالی خوداشتغالی (Linghui and Hare, 2013: 53). شواهدی وسیعی وجود دارد که نشان می‌دهد کارآفرینان هم از کشورهای توسعه یافته (برای مثال در آمریکا) و هم از کشورهای در حال توسعه برای شروع کسب و کار و همچنین برای فرآیندهای عملیاتی و گسترش کسب و کارهای موجود با مشکل دسترسی به اعتبارات مواجه هستند. مطالعات انجام شده در سوئد و آمریکا تأثیر شوک‌های رفاهی و افزایش سرمایه‌گذاری بر خوداشتغالی را مورد تأکید قرار داده است (Holtz-Eakin et al., 1994: 334; Lindh and Ohlsson, 1996: 1515). در کشورهای در حالی توسعه نیز اعتبارت نقشی تعیین‌کننده در توسعه کسب و کارهای کشاورزی و دامپروری داشته است (Escobal, 2001: 497). به علاوه، اعتبارات پرداختی علاوه بر تشویق به شروع فعالیت‌های کارآفرینی و توسعه خوداشتغالی در جوامع محلی، منجر به کاهش فقر، توانمندسازی گروه‌های مختلف، بهبود رفاه، افزایش قدرت پس‌انداز و بهبود کیفیت تولید و عملیات در کسب و کارهای موجود شده است (Linghui and Hare, 2013: 52).

بنابراین تأمین مالی و دسترسی به اعتبارات ضمن اینکه برای راه‌اندازی، رشد و توسعه کسب و کارهای کوچک ضروری است منجر به اثرات و پیامدهای مثبت رفاهی و تولیدی نیز بر کارآفرینان می‌شود (Cowling, 2010: 36). نظریات موجود موارد مختلفی را برای تبیین محدودیت‌های دسترسی به بازار مالی و اثربخشی اعتبارات به کار برده‌اند. برای مثال نظریه‌های بازار سرمایه فرض می‌کنند که عدم تقارن اطلاعات و مشکلات ارزیابی متقاضیان منجر به سهمیه‌بندی اعتبارات و در نتیجه دسترسی محدود به اعتبارات و توزیع نابرابر آن می‌شود (Stiglitz and Weiss, 1981: 393). به ویژه برای کسب‌وکارهای کوچک در بخش خصوصی نسبت به شرکت‌ها و کسب و کارهای دولتی، مشکلات بیشتری در دسترسی به منابع مالی برای شروع فرآیند و گسترش و توسعه کسب و کار وجود دارد (Berger and Udell, 1998: 613). در حالی که مطالعات مختلف بر تأثیر دسترسی به اعتبارات بر توسعه کسب و کارهای کوچک و

زودبازده تأکید می‌کنند و اثربخشی بیشتر اعتبارات پرداختی در این بخش‌ها تأکید می‌کنند (Cole and Sokolyk, 2016: 40). مطالعات مبتنی بر نظریه‌های واسطه‌گری مالی هم بیان می‌کنند که بانک‌ها، از طریق نظارت بر فعالیتهای وام‌دهی خود، نقش ویژه‌ای در کاهش عدم تقارن اطلاعات و بهبود اثربخشی اعتبارات خود ایفا می‌کنند (Diamond, 1991: 689). بحث کلی این است که به علت ابهام نسبی در فرآیندهای مالی بنگاه‌های کوچک کسب و کار و همچنین احتمال کمتر موفقیت آنها، نظارت و ارزیابی مستمر بانک و سازمان تأمین‌کننده اعتبار، اطلاعات ارزشمندی برای ارزیابی اثربخشی اعتبارات پرداختی فراهم می‌کند، ضمن اینکه منجر به مزایایی مختلفی مانند بهبود عملکرد و افزایش کیفیت در بنگاه‌های کسب و کار نیز می‌شود (Cole and Sokolyk, 2016: 41). برخی مطالعات این حوزه بیان کرده‌اند که ارتباط قوی‌تر بین وام‌دهنده و وام‌گیرنده در قالب نظارت‌های مستمر بر عملیات راه‌اندازی و اجرای کسب و کار منجر به افزایش دسترسی به اعتبارات در مراحل بعدی می‌شود (Petersen and Rajan, 1994: 4). مزایایی مانند کاهش نرخ بهره وام و وثیقه‌های مورد نیاز برای متقاضیان و بهبود مستمر در به کارگیری اعتبارات در راستای توسعه کسب و کار مورد تأکید قرار گرفته است (Berger and Udell, 1995: 614).

از طرفی کارآفرینان در فرآیند شروع کسب و کار، اغلب تمایل به اخذ وام با شرایط آسان به ویژه در زمینه نرخ سود و محدودیتهای اندک در خصوص وثیقه دارند که این موضوع بر اثربخشی اعتبارت نیز تأثیرگذار است (Rice and Strahan, 2010: 861)؛ اما باید توجه داشت که بسط و برنامه‌ریزی برای اعتبارات به عنوان مداخله‌گر توسعه، بازارهای جدید را گسترش داده و فرهنگ بازار آزاد را ارتقاء می‌دهد و تضمین‌کننده حداقل مداخله دولت می‌شود؛ به ویژه اینکه کارآفرینان بنگاه‌هایی را ایجاد می‌کنند که بازارهای محلی را درگیر اقتصاد کلان نموده و آنها را فعال می‌سازد و به عنوان عنصر اساسی کاهش فقر در مناطق روستایی و توسعه‌نیافته عمل می‌کند. در واقع این رویکرد در چارچوب سیاست‌های نئولیبرال اقتصادی و تعدیل ساختار اقتصادی همواره مورد توجه بوده است (ازکیا و ایمانی، ۱۳۸۴: ۱؛ Shepherd, 1998: 19). وام‌های مختلف کوچک و بزرگ، حساب‌های پس‌انداز و ارائه انواع خدمات مالی و بانکی این باور را در خانواده‌های کم درآمد و فقیر ایجاد می‌کند که با دسترسی به این خدمات درآمد آنها افزایش خواهد یافت و بدین ترتیب آنها می‌توانند در برابر موانع و مشکلات غیر منتظره از خود محافظت کنند و سطح زندگی کنونی خویش را بهبود بخشند و برای تغذیه، مسکن و آموزش فرزندانشان سرمایه‌گذاری نمایند. دستیابی به این شرایط در زمره اصلی‌ترین اهداف برنامه هزاره سوم یعنی ریشه‌کنی فقر مطلق از جوامع بشری است (مافی، ۱۳۸۶: ۳). علی‌رغم اینکه بیشتر توجه‌ها در مقوله اعتبارات خرد به فقرزدایی در مناطق کمتر توسعه یافته و توانمندسازی اقشار کم‌درآمد مبدول شده است، روی دیگر سکه، یعنی نقش این عامل توسعه‌ای در رشد کسب‌وکار و کارآفرینی نیز درخور توجه است. بدین معنا که اعتبارات فقط در شرایط محروم و کمتر توسعه‌یافته کارکرد ندارد بلکه می‌تواند عامل رشد اقتصادی و ارزش‌افزایی

و کارآفرینی باشد. در این باره ابتکارات موفق همچون بانک گرامین در بهره‌گیری از اعتبارات برای فقرزدایی توام با توانمندسازی در سطح جهان نمونه‌ای از کارآفرینی اجتماعی محسوب می‌شود (Schreiner, 2003: 357). دسترسی به اعتبارات در مراحل مختلف کسب‌وکار نقش مهمی در پیشبرد کسب‌وکارها، در زیربخش‌های مختلف از جمله دامپروری دارد. این موضوعی است که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است.

تحقیقات مختلفی در خصوص اثربخشی اعتبارات و همچنین نقش اعتبارات در توسعه روستایی انجام شده که برخی از آنها در جدول (۱) خلاصه شده است. تحقیق حاضر با تمرکز بر پرورش‌دهندگان گوساله پروری در یک منطقه جغرافیایی، مؤلفه‌های اثربخشی اعتبارات مورد بررسی قرار می‌دهد که از این نظر با تحقیقات قبلی تفاوت دارد.

جدول شماره (۱): خلاصه‌ای از تحقیقات پیشین درباره موضوع تحقیق

پژوهشگر و سال	نتایج
چیدری و زارع (۱۳۷۹)	اعطای اعتبار تأثیر مثبت و معنی‌داری بر تولید کشاورزان داشته است. ارزش نهایی تسهیلات اعطایی هر دو بانک بزرگتر از نرخ سود بوده و کشاورزان از دریافت وام اضافی سود می‌بردند.
حسن‌زاده و ارشدی (۱۳۸۲)	درصد نفوذپذیری وام‌های پرداختی میان خانوارهای روستایی افزایش یافته است. متوسط بازده اعتبارات خرد کمتر از متوسط بازده سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی بوده، ولی اثرگذاری اعتبارات خرد در مقایسه با کل اعتبارات پرداختی بر تشکیل سرمایه ناخالص بیشتر بوده است.
ریکا و همکاران (۱۳۸۲)	اعتبارات مالی یکی از مهم‌ترین ابزارهای توانمندسازی زنان است. به طوری که علاوه بر فایده‌های بی‌شماری که در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و روان شناختی برای زنان دارد در کاهش فقر و ارتقای وضعیت خانواده‌ها ابزار بسیار کارآمدی به حساب می‌آید. نویسندگان بر تأثیر اعتبارات خرد روستایی بر توسعه توانمندسازی و پیشرفت زنان خصوصاً فقرا تأکید کرده‌اند.
بختیاری و پاسبان (۱۳۸۳)	اعتبارات در کوتاه‌مدت بر اشتغال و در درازمدت بر سرمایه‌گذاری تأثیر مثبت داشته است.
افتخاری و عینالی (۱۳۸۴)	اثربخشی منابع اعتباری در بهبود شرایط زندگی روستاییان و کشاورزان خرده‌پا بسیار بالا است و این موضوع موفقیت‌ارائه اعتبارات در توسعه روستایی در توسعه اقتصادی روستایی به‌ویژه در سطوح پروژه‌های خرد را نشان می‌دهد.
افتخاری و همکاران (۱۳۸۵)	اعتبارات خرد بانک کشاورزی توانسته است در توسعه کشاورزی در منطقه مورد مطالعه نقش مهمی ایفا کند.
شعبان‌زاده و همکاران (۱۳۹۰)	این اعتبارات تأثیر مثبت بر اشتغال داشته و سبب ایجاد سرمایه‌گذاری‌های جدید در این بخش شده است اما این اثرات در بلندمدت پایدار نبوده و اشتغال و سرمایه‌گذاری ایجاد شده کاهش یافته است.
نظری و عادل (۱۳۹۰)	به تبع وضعیت بهتر درآمدی و بالا بودن متوسط وام دریافتی برای قشر ثروتمند، اثرگذاری تسهیلات از جنبه‌های مختلف (ایجاد شغل، نسبت وام به کل سرمایه‌گذاری و افزایش درآمد) نسبت به قشر پایین بیشتر بوده است.
بریمانی و همکاران (۱۳۹۱)	اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی مؤثر است و گروهی از زنان که وام گرفته بودند نسبت به گروهی که وام دریافت نکرده بودند از لحاظ اقتصادی توانمندتر شده و از نظر روانی (اعتماد به نفس) نیز در وضعیت بهتری قرار داشتند.
محمدی یگانه و همکاران (۱۳۹۳)	اعتبارات خرد نتوانسته است توانمندسازی اقتصادی فقرای روستایی در دهستان غنی‌بیگلو شهرستان زنجان را در پی داشته باشد.

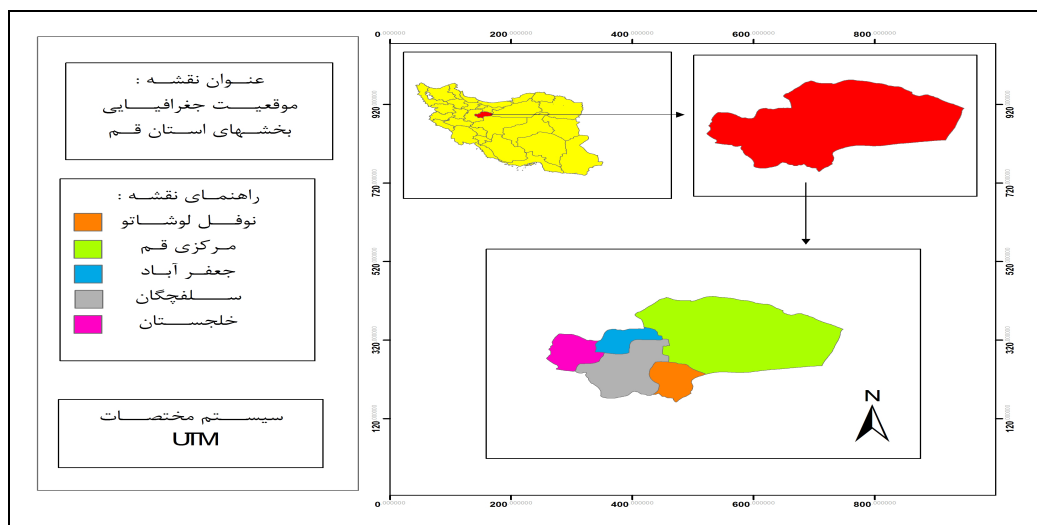
## ادامه جدول شماره (۱): خلاصه‌ای از تحقیقات پیشین درباره موضوع تحقیق

پژوهشگر و سال	نتایج
عزیزپور و خداکرمی (۱۳۹۴)	اعتبارات خرد تأثیر یکپارچه بر ابعاد اجتماعی-اقتصادی توسعه ندارد و سازوکار اعطای اعتبارات متأثر از رویکرد سنتی (رشد اقتصادی) از کارآمدی لازم برخوردار نیست. در این ساختار، مدیریت متمرکز و روابط رسمی و قانونی سبب شده تا منابع مالی ماهیتی محلی و متکی بر پس اندازهای خرد مردم نبوده و از پایداری برخوردار نباشد.
مکلساک (۱۹۷۹)	نتایج به تأثیر اندک اعتبارات بر بهبود وضعیت گروه‌های فقیر جامعه اشاره داد؛ در حالی که نفع گروه‌های با درآمد بالاتر و متوسط از اعتبارات روستایی بسیار بیشتر است. این مقاله تأکید می‌کند که اعطای اعتبارات خرد و اثرگذاری قوی آن بر کاهش فقر باید با دیگر برنامه‌های فقرزدایی ترکیب شود.
اسچرنیر (۲۰۰۲)	تأمین مالی خرد ابزار قوی برای کمک به افراد خیلی فقیرتر شمرده نمی‌شود؛ به‌ویژه آن که این ابزار به جای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در توسعه فرصت‌های شغلی بر اعطای وام تأکید داشته باشد
برگس و پاند (۲۰۰۲)	افزایش شعبه‌های بانکی در روستاها و تسهیل دسترسی به اعتبارات منجر به تغییر ساختار تولید و اشتغال و به تبع آن کاهش فقر روستایی شده است
پاتریک (۲۰۰۴)	اعتبارات بر رفتار سرمایه‌گذاری کشاورزان تأثیر مثبت داشته است. هر چند بخشی از اعتبارات نیز انحراف داشته و در اهدافی دیگر به جز سرمایه‌گذاری به کار گرفته شده است.
بروان و همکاران (۲۰۰۵)	اعتبارات مهم‌ترین عامل در تشویق به راه‌اندازی بنگاه‌های کوچک بوده و نقش مهمی در اشتغال و فروش این بنگاه‌ها ایفا می‌کند.
ایوزیان و سنتور (۲۰۰۸)	برنامه اعتباری بانک جهانی سبب کاهش محدودیت‌های مالی بنگاه‌ها شده و سطوح سرمایه‌گذاری آنها را افزایش داده است
جیا و همکاران (۲۰۱۳)	اعتبارات رسمی و غیررسمی موجود در روستاها درآمد کشاورزان را از طریق افزایش اشتغال‌های خارج از مزرعه افزایش می‌دهد و موجب توسعه اشتغال‌های مکمل می‌شود

## ۳) روش تحقیق

تحقیق حاضر از لحاظ هدف، کاربردی، از نظر گردآوری داده‌ها از نوع تحقیقات میدانی و از لحاظ زمانی تک‌مقطعی است. همچنین این تحقیق از نظر درجه نظارت و کنترل متغیرها، از این جهت که تصویری از وضع موجود را ارائه می‌دهد از نوع تحقیقات توصیفی و غیر آزمایشی است. در این تحقیق ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق‌ساخته بوده است که با توجه به اهداف تحقیق تدوین شده است. این پرسشنامه در پنج قسمت شامل: (۱) متغیرهای مربوط به ویژگی‌های فردی پاسخگویان، (۲) اطلاعات اعتبارات دریافتی به تفکیک بانک کشاورزی و صندوق توسعه ملی، (۳) جزئیات آورده شخصی، (۴) ویژگی‌های کنونی دامداری و (۵) گویه‌های سنجش اثربخشی اعتبارات بر توسعه دامداری (۳۴ گویه) تدوین شده است. شایان ذکر است که متغیرهای اثربخشی با استفاده از طیف لیکرت اندازه‌گیری شده است. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه با توجه به نظرات گروهی از متخصصان شامل چهار نفر از اعضای هیأت علمی دانشگاه در زمینه‌های اقتصاد، دامپروری و ترویج و توسعه و سه نفر کارشناسان بانک کشاورزی ناحیه مورد مطالعه ارزیابی و پس اصلاحاتی مورد تأیید قرار گرفته است. پایایی ابزار تحقیق با انجام یک طرح مطالعه راهنما بر روی ۲۰ نمونه خارج از جامعه آماری (دامداران خارج از شهرک دام

جغفریه) و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ  $0/83$  برای گویه‌های اثربخشی تأیید شده است. جامعه آماری تحقیق شامل ۸۳ نفر از دامداران (پروش‌دهندگان گوساله پرواری) شاغل در شهرک دام جغفریه واقع در بخش جعفرآباد استان قم است (شکل ۱) که از سال ۱۳۸۹ از بانک کشاورزی گازران قم جهت توسعه دامداری وام دریافت کرده‌اند که به صورت تمام شماری اطلاعات لازم از آنها گردآوری شده است. برای پردازش داده‌های تحقیق از آماره‌های توصیفی نظیر فراوانی، درصد، میانگین و همچنین آزمون‌های  $t$  تک‌نمونه‌ای و تحلیل عاملی استفاده شده است.



شکل شماره (۱): موقعیت جغرافیایی ناحیه مورد مطالعه

#### ۴ یافته‌های تحقیق

##### ۴-۱ ویژگی‌های فردی پرسش‌شوندگان

بیشتر افراد پاسخگو مرد ( $85/2$  درصد) و متأهل ( $97/5$  درصد) بوده‌اند. میانگین سنی پاسخگویان  $48/3$  سال بوده که به ترتیب در طبقات سنی به این شرح قرار داشته‌اند:  $25-35$  سال  $27/2$  درصد،  $35-45$  سال  $22/2$  درصد،  $46-55$  سال  $25/9$  درصد،  $56-65$  سال  $8/6$  درصد و  $66-78$  سال  $16/0$  درصد. از نظر سطح تحصیلات  $27/2$  درصد بیسواد،  $19/8$  درصد ابتدایی،  $17/3$  درصد راهنمایی،  $16$  درصد دبیرستان،  $14/8$  درصد دیپلم و  $4/9$  درصد نیز دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند. میانگین بعد خانوار  $3/87$  نفر بود که  $1/04$  نفر آنها شاغل بوده‌اند.  $75/3$  درصد پاسخگویان عضو تعاونی روستایی نبوده و  $69/1$  درصد نیز دارای شغل دوم علاوه بر شغل فعلی دامپروری بوده‌اند.

##### ۴-۲ اعتبارات توزیع شده و وضعیت کسب و کار جامعه

میانگین وام پرداختی برای توسعه دامپروری از منابع داخل بانک  $587,999,380$  ریال (با نرخ سود  $15$  درصد) و از منابع صندوق توسعه ملی  $721,762,960$  ریال (با نرخ سود صفر درصد) در اقساط



پنجساله به ترتیب با میانگین ۱۸۷،۳۵۷،۴۶۰ و ۱۵۳،۷۹۶،۴۶۰ ریال بوده است. زمان انتظار این وام نیز یکساله بوده است. میانگین دفعات نظارت ۵/۷۵ دفعه بوده به نحوی که بانک پس از اطمینان از توسعه دامداری اقساط باقیمانده را پرداخت می‌کرده است. بنابراین انحرافی وجود نداشته است. میانگین تعداد دفعات وام دریافت شده ۳/۳۴ دفعه بوده است. میانگین میزان پس‌انداز در بانک در زمان اخذ وام ۱۸،۷۴۰،۰۰۰ ریال بوده است. ۳/۷ درصد پاسخگویان در زمان دریافت وام بدهی قبلی داشته و بقیه فاقد بدهی بوده‌اند. همچنین ۹۱/۴ درصد پاسخگویان فاقد سرمایه شخصی برای توسعه دامپروری بوده‌اند.

۳۵/۸ درصد پاسخگویان بیان کرده‌اند که به نیروی کار ماهر دسترسی دارند و بقیه فاقد چنین دسترسی بوده‌اند. از نظر وضعیت رضایت از کسب و کار در دامداری نیز ۱/۲ درصد متوسط، ۳۸/۳ درصد زیاد و ۶۰/۵ درصد خیلی زیاد از کسب و کار در دامداری رضایت داشته‌اند. در حالی که هیچ کدام سطح رضایت کم و خیلی کم را بیان نکردند. از نظر میزان تقاضای بازار برای محصولات تولیدی ۱/۲ درصد متوسط، ۳۴/۶ درصد زیاد و ۶۴/۲ درصد خیلی زیاد تقاضای بازار برای محصولات خود را ارزیابی کرده‌اند. همچنین ۲۵/۹ درصد به میزان متوسط، ۲۲/۲ درصد به میزان زیاد و ۵۱/۹ درصد به میزان خیلی زیاد به آینده‌ی شغلی و پیشرفت شغل دامداری در این منطقه امید داشته‌اند. در نهایت ۶/۲ درصد پاسخگویان بیان کرده‌اند که به میزان متوسط، ۲۵/۹ درصد به میزان زیاد و ۶۷/۹ درصد به میزان خیلی زیاد از درآمد شغل دامپروری خود راضی بوده‌اند.

پس از انتقال به شهرک دام جعفریه کلیه روستاییان شیوه دامداری سنتی خود را به صنعتی و نیمه صنعتی تغییر داده‌اند. میانگین تعداد گوساله در هر واحد دامپروری ۶۱ رأس با متوسط تولید گوشت ۳۰/۵۲ تن در سال بوده است. میانگین درآمد و هزینه سالانه واحد دامپروری به ترتیب ۲،۴۴۰،۷۴۰،۰۰۰ و ۱،۹۸۶،۵۴۰،۰۰۰ ریال بوده است. به علاوه میانگین گسترش واحد دامپروری نسبت به سال گذشته ۲۰/۲ رأس دام بیان شده است. بنا به اذعان افراد، در گذشته محل و طریق فروش محصولات تولید شده، واسطه‌ها و دلالان بوده است.

### ۳-۴) مؤلفه‌های اثربخشی اعتبارات پرداختی

به منظور شناسایی مؤلفه‌های اثربخشی اعتبارات پرداختی در بین پاسخگویان مورد مطالعه از تحلیل عاملی اکتشافی به روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس استفاده شده است. با توجه به ردیف آخر جدول ۲ مشاهده می‌شود که مقدار KMO برابر است با ۰/۷۱۱ و مقدار بارتلت ۱۳۷۲/۳۰ است که در سطح معنی‌داری ۰/۰۱ قرار دارد. این اطلاعات بیانگر مناسب بودن همبستگی متغیرهای وارد شده برای تحلیل عاملی است. با توجه به جدول ۲ مشاهده می‌شود که پنج عامل استخراج شده، در مجموع ۷۴/۵۰ درصد کل واریانس را تبیین می‌نمایند. عامل اول با عنوان «افزایش درآمد و تولید» با مقدار ویژه ۵/۹۱ به

تنهایی تبیین کننده ۱۸/۴۹ درصد واریانس کل است. عامل دوم با عنوان «مدیریت بهتر ضایعات و بهداشت دام» ۱۶/۷۹ درصد واریانس را تبیین می‌کند. در وضعیت پیش از پرداخت اعتبارات مدیریت نامطلوب ضایعات دامی مشکلات بسیاری را برای محیط روستایی ایجاد کرده است. عامل سوم با عنوان «ارتقاء کیفیت زندگی فردی و روستایی» که بهبود آن به ویژه پس از پرداخت اعتبارات و تبدیل دامداری سنتی به نیمه صنعتی و انتقال آن به شهرک دامی جعفریه در زندگی روستاییان ملموس بوده است، ۱۵/۲۲ درصد واریانس را تبیین می‌کند. عامل چهارم با عنوان «بهبود انگیزش و رضایت شغلی دامداران» است که از عوامل مهم در تشویق به راه‌اندازی کسب و کارهای جدید است، ۱۲/۱۱ درصد از کل واریانس را تبیین می‌کنند. در نهایت عامل پنجم، «توسعه فیزیکی دامداری» نامگذاری شده است که به ویژه پس از دسترسی به اعتبارات حاصل شده و می‌تواند باعث گسترش و رونق کسب و کارهای دامی شود، ۱۱/۷۹ درصد واریانس را تبیین می‌کند.

مؤلفه‌های افزایش درآمد و تولید اغلب یکی از ملموس‌ترین اثرات پرداخت اعتبارات است. به ویژه در مطالعه حاضر که هدف توسعه و بهبود کسب و کارهای دامپروری موجود بوده است، اغلب پاسخگویان بر چنین مؤلفه‌هایی تأکید کرده‌اند. یکی از جنبه‌های عینی پرداخت اعتبارات نیز تغییر از دامپروری سنتی به نیمه صنعتی و ایجاد شهرک دامپروری بوده که کلیه‌های جنبه‌های بهداشتی و مدیریتی در آن پیش‌بینی شده است. بنابراین مؤلفه مدیریت بهتر ضایعات و بهداشت و توسعه فیزیکی دامپروری نیز از دیگر تأثیرات مهم پرداخت اعتبارات بوده است. علاوه بر این، بهبود درآمد و پس‌انداز تأثیر خود را بر رفاه خانوار گذاشته و بیشتر پاسخگویان از بهبود شرایط زندگی احساس رضایت داشته‌اند؛ تغییر از حالت سنتی تولید و به تبع آن افزایش تولید و درآمد منجر به ایجاد علاقه و ایجاد روحیه و انگیزه بیشتری برای جذب به فعالیت‌های دامپروری شده است که توسط پاسخگویان نیز مورد تأکید بوده است.

با توجه به مقدار میانگین فریدمن در جدول (۲) مشاهده می‌شود که در مؤلفه اول، گویه «افزایش میزان فروش و درآمد حاصل از دامداری»، در مؤلفه دوم گویه «مدیریت بهتر بهداشت دام و پیشگیری بیماری‌های دام»، در مؤلفه سوم گویه «از بین رفتن ضایعات، زباله و آشغال در محیط روستا»، در مؤلفه چهارم گویه «بهبود رضایت از وضعیت شغل و حرفه» و در مؤلفه پنجم گویه «افزایش ارزش اموال و دارائی‌های دامداران» اهمیت بیشتری داشته است. باید توجه داشت که با بهبود بهداشت و مدیریت ضایعات و همچنین استفاده از دستگاه‌ها و تجهیزات پیشرفته شیردوشی و همچنین بهره‌گیری از خدمات دامپزشک و کارشناس تغذیه تأثیرات چشمگیری در افزایش تولید و درآمد و همچنین بهبود وضعیت بهداشت در سطح روستا و واحد دامپروری داشته است. به ویژه پس از پرداخت اعتبارات با انتقال واحدهای دامداری، تأثیرات عینی آن بر محیط روستا توسط روستاییان رضایت بخش ارزیابی شده است. در نهایت، سرمایه‌گذاری در توسعه زیرساختی دامپروری و خرید تجهیزات سرمایه‌ای جهت بهبود عملیات دامپروری

نیز اخیراً ارزش واحدهای تولیدی را بالا برده و به ویژه سرمایه‌گذاری زیرساختی در شهرک دامی مورد نظر نیز منجر به جذب سرمایه‌های بیشتر و ایجاد قطب تولید دامپروری در منطقه شده است.

جدول شماره (۲): متغیرهای مربوط به هر یک از مؤلفه‌های اثربخشی و بار عاملی آنها در ماتریس چرخش یافته

نام عامل	متغیرها	ضرایب	میانگین فریدمن
افزایش درآمد و تولید (مقدار ویژه: ۵/۹۱ و درصد واریانس: ۱۸/۴۹)	افزایش تعداد دام	۰/۹۶۷	۴/۱۶
	افزایش استفاده و جایگزینی نژادهای جدید	۰/۹۴۱	۳/۹۲
	بهبود کارایی و بازدهی تولیدات دامداری	۰/۹۲۸	۴/۲۸
	افزایش میزان فروش و درآمد حاصل از دامداری	۰/۹۳۶	۴/۴۳
	افزایش میزان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری برای توسعه دامداری و سایر زمینه‌های تولیدی	۰/۷۰۴	۴/۳۳
	بهبود بازاریابی و بازاریابی محصولات	۰/۸۶۳	۳/۷۷
	کاهش هزینه حمل و نقل	۰/۸۹۵	۲/۵۲
مدیریت بهتر ضایعات و بهداشت دام (مقدار ویژه: ۵/۳۷ و درصد واریانس: ۱۶/۷۹)	استفاده مناسب از سموم، واکسن و دارو برای مبارزه، پیشگیری و کنترل بیماری‌ها	۰/۸۶۸	۳/۷۳
	مدیریت بهتر بهداشت دام و پیشگیری بیماری‌های دام	۰/۸۸۵	۴/۹۳
	کاهش ضایعات در محصولات دامی	۰/۹۱۴	۴/۵۸
	کاهش مرگ و میر و تلفات دام	۰/۸۳۴	۳/۹۳
	افزایش بازدید دامپزشکان	۰/۸۱۶	۴/۳۷
	بهبود کیفیت محصولات دامی	۰/۹۳۱	۳/۶۳
	کنترل بهتر بیماری‌های مشترک دام و انسان	۰/۷۰۳	۴/۹۱
ارتقاء کیفیت زندگی فردی و روستایی (مقدار ویژه: ۴/۸۷ و درصد واریانس: ۱۵/۲۲)	توانایی بیشتر در تأمین وسایل رفاهی برای اعضا خانواده	۰/۷۷۳	۴/۴۰
	آسودگی از کسب درآمد مستمر	۰/۸۹۱	۱/۸۱
	کاهش سختی کار برای اعضای خانواده	۰/۸۱۳	۴/۳۱
	امکان دسترسی به وام‌های اشتغال، یارانه‌های دامداری و بیمه دام	۰/۷۹۳	۳/۲۵
	کاهش شلوغی و سر و صدا و در محیط مسکونی	۰/۷۵۶	۳/۲۴
	از بین رفتن ضایعات، زباله و آشغال در محیط روستا	۰/۸۴۶	۴/۵۲
	جلوگیری از آلودگی منابع آب و خاک روستا	۰/۸۰۴	۴/۳۶
بهبود انگیزش و رضایت شغلی دامداران (مقدار ویژه: ۳/۸۹ و درصد واریانس: ۱۲/۱۱)	بهبود رضایت از وضعیت شغل و حرفه	۰/۷۵۳	۴/۰۵
	علاقه و انگیزه بیشتر در جهت توسعه فعالیت‌های دامداری و کسب درآمد بیشتر	۰/۷۸۸	۳/۸۴
	تمایل به ماندگاری در محل	۰/۷۹۹	۴/۰۲
	ارتقاء مقبولیت و منزلت اجتماعی در بین مردم روستا	۰/۷۴۵	۳/۶۳
	افزایش فرصت‌های شغلی برای اعضای خانواده و مردم منطقه	۰/۷۱۷	۳/۱۰
	تشویق بیشتر فرزندان یا خویشاوندان به فعالیت در این حرفه	۰/۷۶۴	۲/۳۶
	توسعه تجهیزات و لوازم سرمایه‌ای دامداری	۰/۹۱۱	۳/۶۱
توسعه فیزیکی دامداری (مقدار ویژه: ۳/۵۶ و درصد واریانس: ۱۱/۷۹)	توسعه عرصه و مکان دامداری	۰/۹۰۵	۳/۷۲
	علاقه بیشتر به مالکیت بر مکان و ابزار و تجهیزات دامداری	۰/۶۷۲	۳/۱۵
	تغییر در جهت نوع دامداری از سنتی به صنعتی	۰/۶۸۴	۴/۱۲
	افزایش ارزش اموال و دارائی‌های دامداران	۰/۸۹۲	۴/۴۰

KMO: ۰/۷۱۱

Bartlett test: ۱۳۷۲/۳۰

Sig: ۰/۰۰

جهت بررسی اینکه وضعیت مؤلفه‌های اثربخشی اعتبارات بیشتر از حد میانگین یا مناسب است از آزمون t تک‌نمونه‌ای استفاده شده است. بنابراین ابتدا ترکیب خطی غیروزن دار مؤلفه‌های پنجگانه اثربخشی (میانگین ردیفی گویه‌های هر مؤلفه) محاسبه شد، سپس از طریق فرمول موریس، دامنه آنها بین صفر و یک ارزیابی شده است. به علاوه از طریق آزمون کولموگروف-اسمیرنف نرمال بودن توزیع آنها سنجیده شده است. در ادامه با استفاده از آزمون t تک‌نمونه‌ای اثربخشی اعتبارات بررسی شده است.

با توجه به نتایج جدول (۳) مشاهده می‌شود تمام میانگین‌ها از مقدار متوسط بالاتر است اما در دو مؤلفه اول یعنی «افزایش درآمد و تولید» و «مدیریت بهتر ضایعات و بهداشت دام» فرضیه صفر یعنی اثربخشی اعتبارات پرداختی کمتر و مساوی از حد متوسط است، مورد پذیرش قرار می‌گیرد. در واقع میزان اثربخشی در این دو مؤلفه مطلوب نبوده است و لازم است مدیران واحدهای کسب و کار دامی و همچنین مسئولان محلی نسبت به بهبود این این مؤلفه‌ها کوشش بیشتری نمایند. در حقیقت بهبود حاصله در میزان تولید و درآمد و همچنین وضعیت بهداشت با وضعیت مطلوب روستاییان تفاوت دارد و پاسخگویان اعتقاد داشتند که با سرمایه‌گذاری بیشتر در زمینه بهداشت امکان رسیدن به شرایط ایده‌آل در این زمینه وجود دارد. اما در سه مؤلفه بعدی یعنی «ارتقاء کیفیت زندگی فردی و روستایی»، «بهبود انگیزش و رضایت شغلی دامداران» و «توسعه فیزیکی دامداری» مقدار t بیشتر از مقدار بحرانی (۱/۹۶) است، بنابراین فرض عدم اثربخشی اعتبارات پرداختی برای این سه مؤلفه رد می‌شود. این نتیجه برای کلیت اثربخشی نیز صادق است، به طوری که مشاهده می‌شود وضعیت کلی اثربخشی اعتبارات نیز بیشتر از حد متوسط است که بیانگر مطلوب بودن اثربخشی اعتبارات از دیدگاه دامداران دریافت‌کننده است.

جدول شماره (۳): نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای برای ارزیابی وضعیت اثربخشی اعتبارات پرداختی

معیارها	میانگین	مقدار t	معنی‌داری	انحراف از میانگین	فاصله اطمینان		رد/قبول H <sub>0</sub>
					حدپایین	حدبالا	
افزایش درآمد و تولید	۰/۵۴۰	۱/۲۷	۰/۲۰۹	۰/۰۴۰	-۰/۰۲۳	۰/۱۰۳	قبول
مدیریت بهتر ضایعات و بهداشت دام	۰/۵۴۳	۱/۴۰	۰/۱۶۶	۰/۰۴۳	-۰/۰۱۸	۰/۱۰۵	قبول
ارتقاء کیفیت زندگی فردی و روستایی	۰/۷۴۵	۸/۶۳	۰/۰۰۰**	۰/۲۴۵	۰/۱۸۸	۰/۳۰۲	رد
بهبود انگیزش و رضایت شغلی دامداران	۰/۶۳۳	۵/۴۹	۰/۰۰۰**	۰/۱۳۳	۰/۰۸۶	۰/۱۸۱	رد
توسعه فیزیکی دامداری	۰/۷۳۳	۸/۲۳	۰/۰۰۰**	۰/۲۳۳	۰/۱۷۷	۰/۲۸۹	رد
اثربخشی کلی	۰/۶۳۹	۸/۵۶	۰/۰۰۰**	۰/۱۳۹	۰/۱۰۷	۰/۱۷۱	رد

## (۵) نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر با هدف بررسی اثربخشی اعتبارات بر توسعه کسب و کارهای دامپروری در نواحی روستایی بخش جعفرآباد استان قم انجام شد. به این منظور اطلاعات مورد نظر از افرادی که کسب و کارهای دامداری خود را بر اساس وام دریافتی از بانک کشاورزی گازران در شهرک دام جعفریه استان

قم برپا کرده‌اند گردآوری شد. به منظور استخراج مؤلفه‌های اثربخشی اعتبارات پرداختی از بین گویه‌های مختلف ابتدا از تکنیک تحلیل عاملی استفاده شد که نتایج آن منجر به استخراج پنج مؤلفه با عنوان «افزایش درآمد و تولید»، «مدیریت بهتر ضایعات و بهداشت دام»، «ارتقاء کیفیت زندگی فردی و روستایی»، «بهبود انگیزش و رضایت شغلی دامداران» و «توسعه فیزیکی دامداری» شد. نتایج بیانگر این است که وام‌های پرداختی از طریق کمک به تغییر ساختار دامداری سنتی به صنعتی و نیمه‌صنعتی اولین اثر خود را در بخش تولید و درآمد گذشته و منجر به افزایش درآمد و تولید در بین صاحبان کسب و کار دامداری شده است. با توجه به ویژگی‌های بخش دامداری این موضوع نقش مهمی در کمک به روستاییان در توسعه کسب و کار خود داشته است. نتایج تحقیق چیدری و زارع (۱۳۷۹) هم نشان داد که اعطای اعتبار تأثیر مثبتی بر تولید کشاورزان داشته است. افتخاری و همکاران نیز اثربخشی اعتبارات خرد بانک کشاورزی در زمینه افزایش اشتغال، رشد فروش، سودآوری و جذب مشتری را نشان دادند. همچنین در خصوص مؤلفه دوم «مدیریت بهتر ضایعات و بهداشت دام» باید اشاره کرد که در وضعیت پیش از پرداخت اعتبارات مدیریت نامطلوب ضایعات دامی مشکلات بسیاری برای محیط روستایی ایجاد کرده بود و بیانگر این است که این مؤلفه اثربخشی اعتبارات به ویژه توانسته است رضایت ساکنان محیط مسکونی و صاحبان کسب و کارهای دامداری را فراهم سازد. در خصوص مؤلفه سوم «ارتقاء کیفیت زندگی فردی و روستایی» باید اشاره کرد که بهبود آن به ویژه پس از پرداخت اعتبارات و تبدیل دامداری سنتی به نیمه صنعتی در زندگی روستاییان ملموس بود. در تحقیقی توسط افتخاری و عینالی (۱۳۸۴) مشخص شد که اثربخشی منابع اعتباری در بهبود شرایط زندگی روستاییان و کشاورزان خرده‌پا بسیار بالا است در حالی که در تحقیق محمدی یگانه و همکاران (۱۳۹۳) بیان شد که اعتبارات بانکی نتوانسته است توانمندسازی اقتصادی فقرای روستایی در دهستان غنی‌بیگلو شهرستان زنجان را در پی داشته باشد. در مطالعه‌ای توسط برگس و پاند (۲۰۰۲) در هند نیز اثربخشی اعتبارات بر کاهش فقر روستایی و بهبود مؤلفه‌های کیفیت زندگی مورد تأکید قرار گرفت. در خصوص مؤلفه چهارم «بهبود انگیزش و رضایت شغلی دامداران» باید اشاره کرد که از عوامل مهم در تشویق به راه‌اندازی کسب و کارهای جدید است و در بیشتر تحقیقات کارآفرینی به عنوان عامل تعیین‌کننده خوداشتغالی و نوآوری ذکر شده است. در این زمینه مطالعه بروان و همکاران (۲۰۰۵) نشان دادند که اعتبارات مهمترین عامل در تشویق به راه‌اندازی بنگاه‌های کوچک بوده و نقش مهمی در اشتغال و فروش این بنگاه‌های کسب و کار کوچک ایفا می‌کند. در ایران نیز بریمانی و همکاران (۱۳۹۱) نشان دادند که اعتبارات بر توانمندسازی زنان روستایی مؤثر بوده است و از نظر روانی منجر به افزایش اعتماد به نفس شده است. در خصوص مؤلفه پنجم «توسعه فیزیکی دامداری» نیز باید اشاره کرد که تحقق آن به ویژه پس از دسترسی به اعتبارات حاصل شده است. به این

ترتیب بانک توانسته بدون انحراف در اعتبارات پرداختی آن را در توسعه زیرساختی تولید به کار گیرد و در این تحقیق چنین توسعه‌ای توانسته باعث گسترش و رونق کسب و کارهای دامپروری شود.

نتایج آزمون فریدمن نیز نشان داد که در مؤلفه اول گویه «افزایش میزان فروش و درآمد حاصل از دامداری»، در مؤلفه دوم گویه «مدیریت بهتر بهداشت دام و پیشگیری بیماری‌های دام»، در مؤلفه سوم گویه «از بین رفتن ضایعات، زباله و آشغال در محیط روستا»، در مؤلفه چهارم گویه «بهبود رضایت از وضعیت شغل و حرفه» و در مؤلفه پنجم گویه «افزایش ارزش اموال و دارائی‌های دامداران» اهمیت بیشتری داشته است. این موارد، می‌تواند در ارزیابی اثربخشی وام و اعتبارات در این زمینه مورد استفاده مدیران نهادهای پرداخت‌کننده اعتبار قرار گیرد. نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای برای بررسی میزان اثربخشی نشان داد که در دو مؤلفه اول یعنی «افزایش درآمد و تولید» و «مدیریت بهتر ضایعات و بهداشت دام» وضعیت اثربخشی اعتبارات مطلوب نبوده است. در واقع هرچند بهبود و رونق تولید و همچنین افزایش سطح بهداشت و مدیریت ضایعات پس از دریافت اعتبارات حاصل شده است، اما از نظر صاحبان کسب و کار این وضعیت ایده‌آل نیست. بنابراین این قسمت نیازمند برنامه‌ریزی و ارائه مشاوره‌های فنی و شغلی جهت رسیدن به وضعیت ایده‌آل است. تحقیقات آینده می‌تواند بر اثربخشی آموزش‌های فنی و دامپزشکی ارائه شده به دامداران متمرکز شود. همچنین نتایج این آزمون نشان داد که در سه مؤلفه دیگر اثربخشی یعنی «ارتقاء کیفیت زندگی فردی و روستایی»، «بهبود انگیزش و رضایت شغلی دامداران» و «توسعه فیزیکی دامداری» و همچنین کلیت شاخص اثربخشی وضعیت مطلوب بوده است. با توجه به این نتایج می‌توان بیان کرد که بانک با جلوگیری از انحراف در اعتبارات توانسته وضعیت مطلوبی را برای توسعه کسب و کار و بهبود کیفیت زندگی در نواحی روستایی ایجاد کند. به ویژه اینکه مؤلفه‌های انگیزش، رضایت شغلی، توسعه زیرساختی و فیزیکی و رفاه فردی همواره در برنامه‌ریزی برای توسعه کارآفرینی روستایی مورد تأکید پژوهشگران این حوزه بوده است. تحقیقات آینده می‌تواند بر عوامل و انگیزه‌های راه‌اندازی کسب و کارهای مستقل در زمینه دامپروری متمرکز شده و با شناسایی آنها به توسعه کارآفرینی در این نوع کسب و کارهای کمک نماید. در نهایت؛

- با توجه به اینکه اثربخشی قابل قبول اعتبارات در بیشتر مؤلفه‌های توسعه کسب و کارهای دامداری در این تحقیق حاصل نظارت مستمر بانک بود، بنابراین پیشنهاد می‌شود که شیوه‌های نظارتی موجود تقویت، تشویق و توسعه یابد و به صورت مرحله‌ای اعتبارات در راستای توسعه واحدها به کار گرفته شود. در این باره، داشتن برنامه زمان‌بندی شده از سوی متقاضیان در چارچوب برنامه توسعه کسب و کار به عنوان یکی از شروط استفاده از اعتبارات ضروری است.

- از آنجایی که اثربخشی اعتبارات تخصیص یافته به واحدهای دامی در گرو عملکرد مدیریت این واحدها در تخصیص اثربخش اعتبارات دریافتی است، بنابراین آرایه مشاوره‌های مدیریتی متناسب با

- واحدهای دامداری و آرایه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای همراه با تخصیص اعتبارات می‌تواند به صورتی هم افزا اثربخشی را افزایش دهد.
- با توجه به موفقیت طرح، تخصیص اعتبارات بیشتر جهت توسعه واحدهای موجود کسب و کار و همچنین تشویق به نوآوری و کارآفرینی بیشتر در شهرک دامپروری کنونی در دستور کار قرار گیرد. این موضوع به ارتباط بیشتر بانک با صاحبان کسب و کار منجر شده و به کارگیری عوامل انگیزشی را تسهیل می‌کند.
  - معرفی این الگو به سایر مناطق و سایر واحدهای تولیدی به ویژه گسترش آن به واحدهای تولید پرورش گوسفند پرواری در سطح استان می‌تواند دامنه اشتغال در چنین کسب و کارهایی را گسترش دهد. این مهم نیازمند شناسایی و معرفی واحدهای موفق دامداری دریافت‌کننده اعتبارات به سایر واحدها در راستای الگوسازی است.
  - با توجه به اثربخشی اعتبارات می‌توان نسبت به تشویق بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری توسعه مجتمع واحدهای دامپروری موجود نیز بهره برد.
  - با استناد به یافته‌های تحقیق بیشتر محصول تولیدی در مجتمع دامداری جعفریه به دلالت و واسطه‌ها فروخته می‌شود. در واقع این گروه سهم بالایی از سود تولیدات را تصاحب می‌کنند بنابراین ایجاد مراکز عرضه مستقیم زیر نظر سازمان متولی امر و یا از طریق ایجاد تعاونی دامداران پیشنهاد می‌شود.

#### ۶ منابع

- ازکیا، مصطفی و علی ایمانی، (۱۳۸۴)، نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی و ایجاد اشتغال، همایش توسعه روستایی و کاهش فقر، بانک کشاورزی، ۱۹ و ۲۰ آذر تهران.
- اشراقی سامانی، رویا، فرزاد شیخ محمدی و علیرضا پورسعید، (۱۳۹۴)، عوامل مؤثر بر عدم بازپرداخت تسهیلات بانک کشاورزی از سوی کشاورزان مورد: شهرستان ایلام، اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۴، شماره ۱۲، صص ۷۷-۹۱.
- افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین و جمشید عینالی، (۱۳۸۴)، ارزیابی اعتبارات خرد بانک کشاورزی در توسعه اقتصاد روستایی (مطالعه موردی شهرستان خدابنده)، فصلنامه پژوهش‌های بازرگانی، شماره ۳۴، صص ۲۰۲-۱۷۹.
- افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین، جمشید عینالی و حمدالله سجاسی قیداری، (۱۳۸۵)، ارزیابی آثار اعتبارات خرد بانکی در توسعه کشاورزی (مطالعه موردی تعاونیهای خودجوش روستایی شهرستان خدابنده)، اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۵۶، صص ۷۶-۴۵.
- بختیاری، صادق و فاطمه پاسبان، (۱۳۸۳)، نقش اعتبارات بانکی در توسعه فرصتهای شغلی: مطالعه موردی بانک کشاورزی ایران، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۱۲، شماره ۴۶، صص ۷۳-۱۰۶.

- بریمانی، فرامرز، زهرا نیک‌منش، و سهیلا خداوردی‌لو، (۱۳۹۱)، بررسی نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی نمونه موردی: دهستان لکستان شهرستان سلماس، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۱، شماره ۱، صص ۸۲-۶۹.
- پورافضل، مصطفی، احمدرضا عمانی و سعید محمدزاده، (۱۳۹۱)، نقش اعتبارات بانکی در فرآیند توسعه پایدار کشاورزی و موانع گسترش آن، اولین همایش ملی توسعه پایدار کشاورزی و محیط زیست سالم، همدان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان.
- چیدری، امیرحسین و احمد زارع، (۱۳۷۹)، بررسی آثار اعتبارات تخصیص یافته به بخش کشاورزی استان مازندران از سوی بانک‌های ملی و کشاورزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۸، شماره ۳۲، صص ۹۲-۶۹.
- حسن‌زاده، علی و علی ارشدی، (۱۳۸۲)، نقش اعتبارات خرد در توسعه روستایی. مجموعه مقالات سیزدهمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی ج.ا.ایران، چاپ اول، پاییز. ۴۵ ص.
- ریکا، مهرا، آنلیز دروست ماسری و روبا رحمان، (۱۳۸۲)، اعتبارات مالی برای زنان، مترجم فضیله خانی، انتشارات دانشگاه الزهرا (س) با مشارکت دفتر امور زنان روستایی وزارت جهاد کشاورزی. تهران.
- سفیدکارلنگرودی، آرمین و مجید احتشامی، (۱۳۹۰)، اثرات زیست محیطی توسعه صنایع دامپروری بر آلودگی آب‌های سطحی و زیرزمینی، ششمین کنگره ملی مهندسی عمران، سمنان، دانشگاه سمنان.
- شعبان‌زاده خوشرودی، مهدی، ناصر شاهنوشی فروشانی، محمود دانشورکاخکی، محمد قربانی، مجتبی مجاوریان، (۱۳۹۰)، بررسی نقش اعتبارات بنگاه‌های زودبازده در توسعه صنعت دامپروری، تحقیقات اقتصاد کشاورزی، سال ۳، شماره ۳، صص ۱۵۵-۱۳۷.
- عزیزپور، فرهاد و زهرا خداکرمی، (۱۳۹۴)، اثرات اجتماعی-اقتصادی اعتبارات خرد کشاورزی در نواحی روستایی مورد: دهستان کرسف، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۴، شماره ۳، صص ۶۹-۵۷.
- علاء‌الدینی، پویا، آزاده جلالی موسوی، (۱۳۸۹)، ارزیابی اثربخشی برنامه پشتیبانی خدمات مالی خرد و صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی در ایران، توسعه روستایی، سال ۲، شماره ۲، صص ۷۶-۶۱.
- علیرضائزاد، سهیلا و شهلا حائری، (۱۳۹۰)، پول، جنیست، توسعه: مطالعه موردی صندوق اعتبارات خرد زنان زنبوردار رامه، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۷، صص ۲۳۱-۱۹۱.
- غیاثوندغیاثی، فرشته، سید جمال فرجاله حسینی و سید محمود حسینی، (۱۳۸۶)، عوامل مؤثر بر اثربخشی عملکرد کارشناسان ناظر طرح محوری گندم در استان قزوین، علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، سال ۳، شماره ۱، صص ۴۳-۳۱.
- بانک کشاورزی، (۱۳۹۲)، گزارش تسهیلات پرداختی سال‌های ۹۲-۹۰ شعبه جعفریه استان قم، اعتبارات صندوق توسعه ملی (طرح‌های توسعه کشاورزی)، گزارش منتشر نشده بانک کشاورزی استان قم.



- مافی، فرزانه، (۱۳۸۶)، نظام اعتبارات خرد راهکار عملی توانمندسازی دهک‌های پایین درآمدی در پذیرش سهام عدالت، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، معاونت پژوهش‌های اقتصادی، کارگروه پژوهشی شاخص‌سازی و آینده‌پژوهی.
- مجردی، غلامرضا، زینب شاهقلیان و جعفر یعقوبی، (۱۳۹۲)، بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت تعاونی‌های دامپروری در شهرستان خدابنده، تعاون و کشاورزی، سال ۲، شماره ۵، صص ۱۰۳-۱۲۴.
- محمدی یگانه، بهروز، مهدی چراغی و کبری احمدی، (۱۳۹۳)، بررسی آثار اعتبارات خرد بر توانمندسازی اقتصادی فقرای روستایی مطالعه موردی: دهستان غنی بیگلو، شهرستان زنجان، جغرافیا و توسعه، سال ۱۲، شماره ۳۵، صص ۲۴۷-۲۳۳.
- نظری، عبدالمجید و جواد عادل، (۱۳۹۰)، مقایسه میزان اثربخشی اعتبارات خرد بر اقشار جامعه روستایی در نواحی کوهستانی و دشتی شهرستان آزادشهر. جغرافیا، سال ۹، شماره ۳۱، صص ۲۱۴-۱۹۱.
- Aivazian, V.A, Santor, E (2008), **Financial constraints and investment: assessing the impact of a World Bank credit program on SMEs in Sri Lanka**, Canadian Journal of Economics, Vol 41, pp 475-500.
- Berger, A, Udell, G (1995), **Relationship lending and lines of credit in small firm finance**, Journal of Business, Vol 68, pp 351-381.
- Berger, A, Udell, G (1998), **The economics of small business finance: the roles of private equity and debt markets in the financial growth cycle**, Journal of Bank Finance, Vol 22, pp 613-673.
- Brown, J, D, Earle, J.S, Lup, D (2005), **What makes small firms grow? Finance, human capital, technical assistance, and the business environment in Romania**, Economic Development and Cultural Change, Vol 54, pp 33-70.
- Burgess, R., Pande, R (2002), **Do rural banks matter? Evidence from the Indian social banking experiment**, American Economic Review, Vol 95, No 3, pp 780-795.
- Cole, R, Sokolyk, T (2016), **Who needs credit and who gets credit? Evidence from the surveys of small business finances**, Journal of Financial Stability, Vol 24, pp 40-60.
- Cowling, M (2010), **The role of loan guarantee schemes in alleviating credit rationing in the UK**, Journal of Financial Stability, Vol 6, pp 36-44.
- Diamond, D.W (1991), **Monitoring and reputation: the choice between bank loans and directly placed debt**, Journal of Political Economic, Vol 99, pp 689-721.
- Escobal, J (2001), **The determinants of non-farm income diversification in rural Peru**, World Development, Vol 29, No 3, pp 497-508.
- Holtz-Eakin, D, Joulfaian, D, Rosen, H (1994), **Entrepreneurial decisions and liquidity constraints**, RAND Journal of Economics, Vol 25, No 2, pp 334-347.
- Jia, X, Xiang, C, Huang, J (2013), **Microfinance, self-employment, and entrepreneurs in less developed areas of rural China**, China Economic Review, Vol 27, pp 94-103.
- Lindh, T, Ohlsson, H (1996), **Self-employment and windfall gains: Evidence from the Swedish Lottery**, Economic Journal, Vol 106, No 439, pp 1515-1526.
- Linghui, H, Hare, D (2013), **The link between credit markets and self-employment choice among households in rural China**, Journal of Asian Economics, Vol 26, pp 52-64.

- Maclsaac, N (1997), **The role of micro-credit in poverty reduction and promoting gender equity a discussion paper**, Canadian International Development Agency. Gatineau, Quebec. Canada.
- Parhizgari, A. M, Ronald G. G (2004), **Measures of organizational effectiveness: Private and public sector performance**, Omega, the International Journal of Management Science, Vol 32, 221-229.
- Petersen, M, Rajan, R (1994), **The benefits of lending relationships: evidence from small business data**, Journal of Finance, Vol 46, pp 3-37.
- Petrick, M (2004), **Farm Investment, Credit Rationing, and Governmentally Promoted Credit Access in Poland: a Cross-Sectional Analysis**, Food Policy, Vol 29, pp 275-294.
- Rice, T, Strahan, P (2010), **Does credit market competition affect small business finance?** Journal of Finance, Vol 65, pp 861-889.
- Schreiner, M (2003), **A Cost-Effectiveness Analysis of the Grameen Bank of Bangladesh**, Development Policy Review, Vol 21, No 3, pp 357-382.
- Schreiner, M (2002), **Framework for the discussion of the social benefits of micro-finance**, Journal of International Development, Vol 14, No 5, pp 591-603.
- Shepherd, A (1998), **Sustainable rural development**, Hound mills, Basingstoke: Macmillan Press; New York: St. Martin's Press.
- Steinfeld, H, Mack, S (2015), **Livestock development strategies**, Animal Production and Health Division, FAO, Rome, Italy. Retrieve: [www.fao.org/docrep/v8180t/v8180T0a.htm](http://www.fao.org/docrep/v8180t/v8180T0a.htm).
- Stiglitz, J, Weiss, A (1981), **Credit rationing in markets with imperfect information**, American Economic Review, Vol 71, pp 393-410.